

13/03/2009

دوکتور صلاح الدين سعیدی  
مرکز کلتوری د حق لار و مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان

## حکم ستره افغانستان در قسمت آقای کامبخش غیر عادلانه است!

خداوند متعال در قرآن کریم میفرماید: انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون - (الایه) ما به تحقیق ذکر را نازل کردیم و ما نگاه بان و حافظ آن ایم. ما مسلمانان به این معتقدیم که تلاش آگاهانه و غیر آگاهانه، تلاش مزدورانه و یا معذورانه برای اهانت و تحریف دین مقدس اسلام و نصوص شرعی تلاش است مذبحانه و جای را نه خواهد گرفت. ما مسلمانان به این عقیده داریم و خداوند متعال در قرآن کریم چنین وعده را داده است. ان الله لا یخلف المیعاد - ان شاء الله.

فکر میکنم بجاء و درست خواهد بود که اولاً مشکل تشخیص (مرض تشخیص) و بعداً به تداوی و علاج آن پرداخته شود. باید تشخیص کرد که مشکلات عمده ما چیست و راه های حل آنها کدام ها اند؟ راه حل که به حد اقل قربانی و راه کوتاه و حد اقل مصارف بانجامد. سیاست کادری غیر مدرن، کادر های ضعیف، عدم حاکمیت قانون، عدم فعال شدن لازم ارگانهای عدلی و قضایی، فعال شدن شخصیت های ضعیف النفس، کاذب و قوم پرست، کار ضعیف برای اعمار جامعه مدنی و برخورد بسیار محتاطانه در مسایل که به خورد جدی ضرورت است، عدم استفاده لازم از دست آورد های نظامی در بخش سیاسی، مداخله خارجی خاصاً همسایگان افغانستان، جنگ تحمیل شده و عوامل چندی دیگر همه عوامل و مسایل اند که مشکلات مردم افغانستان و کشور ما را روز به روز بیشتر ساخته و کشتی ما به طرف غرق شدن در حرکت است.

ما به زعامت صالح، با تجربه و شجاع افغانی ضرورت داریم که از تطبیق قانون ترس نداشته و دست آوردهای بشری را با جریت عملی ساخته و توانانی اداره کشور را داشته باشد. متأسفانه درین سه دهه اخیر چنین نبود. در دهه اخیر که امید و آری ها زیاد بود متأسفانه آرزو های مردم دارد به یأس می رود. ما باید بر خیزیم و تلاش دوبرابر کنیم تا سرنوشت خویش را در دست گیریم.

گفتنی های زیاد هست اما من مستقیماً به مسئله محاکمه برگردم: میگویند با دموکراسی کسانی مشکل بیشتر دارند که آنرا امر جدی تلقی میکنند. کسانی که آنرا روپوش جنایات خویش استفاده میبرند به دموکراسی چندان مشکل ندارند.

جهان و مردم افغانستان متوجه قضایای مختلف افغانی اند. درمورد توقیف و محاکمه آقای کامبخش، توقیف و محاکمه احمد غوث زلمی، آقای قاری مشتاق و ... باید با صراحت تام گفت که عمل خلاف و بالاتر از صلاحیت خویش نموده اند.

دلایل و توضیح زیاد وجود دارد که نمی خواهم به تفصیل بنویسم. باید تأکید و یاد آوری کرد که **آقای کامبخش تنها تکثیر نه کرده بلکه تیصره های نیز بر آن افزوده، آقای غوث زلمی ترجمه نه کرده بلکه مقدمه نادرست به آن افزوده و متن غیر عربی قرآن کریم را قرآن کریم خطاب کرده (متن و محتوی قرآن کریم مقدس است) و مسئله وحی بر خود را مطرح کرده و قاری صاحب مشتاق بالاتر از صلاحیت خویش به اصطلاح فتوی صادر کرده. ما نمیتوانیم که توجیه کنیم که گویا این نقل قول از قصص و روایات بد و در قرآن هم از فرعون و نمرود یادآوری شد و ..... بلکه کار برای آن و تأکید بر آن است. مساله عمده و اساسی موتیف و انگیزه عمل است که این کار محکمه عادلانه است است که باید روشن سازد.**

من به جزییات نمی روم و موضوع را مانند یک قاضی (من فرمان قضایی دارم و زمانی قاضی بودم) با شما مطرح نمی کنم

بلکه موضوع را قبل از همه از گوشه دیگر خدمت شما تقدیم میدارم.

از انجاییکه دین اسلام به موعظه حسنه جهانی شده و در قلب میلیون ها انسان جای گرفته سفارش میکنم که بخاطر منفعت اسلام، منافع افغانستان و بادر نظر داشت جلوگیری از فتنه و شر - و مطابق قوانین نافذ ضرورت و درست بود

و هست که کار توصیه و تنویری میشد و به اعتراف و پشیمانی این متخلفین اتکاء گردیده و مدت سه الی شش ماه حبس تنفیذی و برای هریک شان و با سه سال حبس تعلیقی حکم صادر میگردد. همین حالا هم زمینه های بررسی ها وجود دارد.

در جهان معمولاً وضع حکم مرحله بالای چنین است که حکم مستقل صادر نه نموده بلکه حکم محکمه اولی را مورد ارزیابی قرار میدهند که به استناد درست صورت گرفته و یا خیر؟ در صورت کمبود موضوع واپس به محکمه ابتداییه ارسال تا نواقص برطرف و حکم صادر شود. همچنان در صورت نهایی شدن امکان مراجعه به وزیر عدلیه است تا در صورت تخلف از قانون در موضوع غور شود. مقام و امکانات رئیس جمهور که در تمام مراحل پروسه اجراءات جزایی و بعد از نهایی شدن حکم و در حین تنفیذ حکم بخش و یا کل جزاء و یا پروسه اجراءات جزایی را ملغی قرار داده و یا عفو کنند به جای خود باقی است. در مورد عفو رییس جمهوری ضرورت هم نیست تا فرمان خویش را مستدل سازد. مثال ها زیاد است و یک مثال زنده که آقای بل کلینتون قبل از ختم دوره ریاست جمهوری اش یکی از آخرین فرمان هایش عفو حبس عده از محبوسین بود.

**و در جهان و جوامع پیشرفته که افغانستان هم عضو جامعه مدنی است و قرار داده های معین جهانی را امضاء کرده باید امکانات غور و بررسی احکام صادره محاکم افغانی توسط محاکم بین المللی موجود باشد که این موضوع را به وکلای مدافع آقای کامبخش و آقای زلمی و ... میگذارم.**

به فهم من اگر مصلحت اسلام، وطن و مردم افغانستان را خواهیم باید علماء و روحانیون، دیگر مراجع و سازمان های اجتماعی به شمول کسانی که موضوع را به پارلمان مطرح کردند تشکیل نشست ها نموده و با در نظر داشت عذر خواهی مرتکبین عمل خلاف برای شان عفو و از رئیس جمهور افغانستان خواهش نمایند که برای شان فرمان عفو صادر کند.

رئیس جمهور افغانستان بعد از سلسله مراتب فوق میتواند تصمیم عفو شان را اتخاذ و به این ترتیب عمل به نفع اسلام و افغانستان نموده و شر را خاموش نمایند.

### **و اما واپس بیایم به بحث خود از گوشه دیگر و در سطح افواهات:**

افواه چنین است که خانم سحیه مطالب را از قومندانان مجاهدین درفلم های ویدیویی به صورت مستند نشر میکرد و این کست ها توسط همکار مخفی خانم سحیه از کابل برایش ارسال میشد. درین کست های ویدیویی دیده میشد که عده از قوماندانان قبلی به اعمال جنسی و غیر شرعی و بچه بازی و ... دست میزنند. اینکه این همکار خانم سحیه از کابل به نام دکتر کی بود؟ و تا کجا با نام غوث زلمی ارتباط دارد؟ و به همین خاطر آقای غوث زلمی به این نوع باید مجازات شود یک افواه بیش نیست. اما قابل دقت است.

اینکه پلان است تا در صورتیکه رییس جمهوری افغانستان فرمان عفو صادر کنند و قیام براه انداخته شود خود افواه خواهد بود. و اینکه مراجع استخباراتی کشور های مجاور خاصاً ایران میخواهد به جهان غرب نشان دهد که دولت تحت حمایت خودش به اعمال دست میزنند که آنرا بالای ایران انتقاد دارند - مسایل است مورد دقت.

میگویند در دولت داری در مراجع امنیتی و وزارت داخله شعبه و مدیریت آوازه های سرچوک وجود دارد که بعضی این آوازه ها را تصادفی ندانسته و به صورت آگاهانه سازماندهی میشوند.

و اما عدالت را به اساس این افواهات میتوان تامین کرد؟ جواب واضح است که نه. و اما این افواهات جریت رییس جمهوری ما را کم کرده؟ و آیا درست است که دسیسه در کار است و این فرمان عفو سبب شورش و استفاده سیاسی خواهد شود؟ سوالات است که جواب آنرا مسولین امور و مراجع استخباراتی و عدلی تحت الذهن خواهند داشت.

همچنان بجاء است یک حالت دیگر را با شما در میان بگذارم و آن اینکه در بعضی از کشور های جهان در پهلوی قاضی مانند شخص فنی و مسلکی هیئت جوری در محاکمه اشتراک میکنند که حتمی نیست دانش حقوقی و مسلکی داشته باشد اما مکلف است که قضاوت خویش را نه بر اساس معلومات مثلاً خاله و ماما اش و افواهات سرکوچه استوار سازد بلکه قضاوت خویش را باید به اساس آنچه در محکمه پیش کش میشود. مستند سازند. به همین خاطر هم میگویند که عدالت کور است و سمبول عدالت هم خانم بلند بالای که چشم های اش بسته است و ترازو در دست اش میباشد.

افغانستان در شرایط بس دشوار قرار دارد و دارد که اکت دموکراسی را میکند. دیموکراسی با تمام کم و کاستی هایش و بدون موجودیت تعریف جامع و مانع از آن. بر ما است که با موضع گیری های خویش از افراط و تفریط گذشته و نه

گذاریم آرزو های مردم بلادیده خویش را به هدر بریم. آنهای که امکانات دارند به تشویق های بی جاء نباید تحت نام دموکراسی و آزادی بیان جامعه ما را به تشنج بکشانند. مشکل عمده در جوانان بی تجربه نیست. مشکل عمده در مشاورین و بزرگان است که آگاهانه و نا آگاهانه موجب شر میشوند. باید تعمق کرد.

نبايد با استفاده از نام ديموکراسی و آزادی، افراط و تفریط ارزش های معين جامعه خویش را نادیده گرفته و به تمام مقدرات خویش بتازند. نبايد بنام ديموکراسی در واقعیت به ضد مفاهيم اصلی آن عمل نموده در موارد با برخورد های پوپولیستی در دام یک سلسله مفاهيم غربی که اصلاً به جامعه ما سازگار نیست و در برحق نبودن آن هم استدلال دارم. این عمل شان تیشه به ریشه خود خواهد زد و حد اقل سبب تجريد و تنفر جامعه خواهند بود. نبايد باری دیگر جامعه ما را به تشنج دوامدار برد. مردم ما رنج و آلام زياد دیده و آشک و ماتم زياد را میکشند. پختگی لازم سیاسی و متانت در کار است. نه شود که تحت تاثیر این دسپيس به خاطر حفظ قدرت و کرسی خویش به هر عمل شرعی و غیر شرعی دست بزنیم و شرمنده دنیا و آخرت شویم. همه حکومت ها رفته و ملت باقی است.

هرکی آمد عمارتی نو ساخت - رفت و منزل به دیگری پرداخت

و آن دیگر پخت همچنين هوسی - این عمارت به سر نبرد کسی

نبايد منافع و مصالح شخصی خویش را بر منافع و مصالح ملت، عدالت و اسلام برتر دانست. مسولین و سياسيون و پيشتازان جامعه ما، آنهايیکه خود را خدمتگار ملت و خادم دين رسول الله میدانند به قاضی و وجدان و محاکمه داخلی خویش مراجعه نموده با دقت، همه جانبه اندیشیده با پیگیری، متانت و پختگی سیاسی با جریت اقدام نمایند. بیست حبس برای آقای کامبخش ظلم و تعدی ضد اسلامی و بی عدالیتی بیش نیست. متاسفم که وکلای مدافع این افراد بسیار ضعیف عمل کرده به دفاعی شان کار لازم نه نمودند.

با تجربه بیشتر از ۱۵ ساله قضایی و کالت خویش و با تجربه ترجمانی خویش در مسایل عدلی و قضایی خویش و شناخت خویش از دین مقدس اسلام و قوانین مدنی با مسولیت تام گفته میتوانم و میگویم که حکم مذکور حکم غیر عادلانه تحت تاثیر مسایل سیاسی و فشار و مخالف منافع اسلام و جامعه و مردم ما است.

**علل غیر عادلانه بودن این حکم قسماً در بالا آورده شد اما فشرده این علل و استناد را ذیلاً تقدیم میدارم:**

۱/ مخالف احکام قانون است. در قوانین نافذ کشور در صورت اهانت به دین سه ماه حبس پیش بینی شده. (من قاضی و اصدار کننده حکم نیستم و متن قانون در دستم نیست اما ماده و محتوی قانون در افغانستان به همین منوال است).

۲/ صدور حکم نه بر اساس مواد قانون بلکه بر اساس فشار اذهان عامه صادر شده.

۳/ در صدور حکم بخاطر ایجاد تشنج و ایجاد مشکل سیاسی در افغانستان و زمامداران فعلی که آنها را در مشکل قرار داده با غرب دست به گریبان سازند صادر گردیده.

۴/ به شناخت من این حکم باز هم ثابت میسازد که امکانات ادارات استخباراتی کشور های مجاور در سازمان دهی این حالت و صدور چنین حکم هویدا است. تلاش چنین است تا جهان غرب را به گردن حکومت افغانی انداخته و به آنها نشان دهند که حکومت که از شما در ایجاد آن سهم داشتید همان اعمال را میکنند که به علت آن به ایران انتقاد میشود.

۵/ در صورتیکه که رییس جمهور افغانستان جریت کند و اقدام نماید پلان ایجاد تشنج سرتاسری و سوء استفاده سیاسی مطرح است و رییس جمهور افغانستان چنین جریت را نه خواهد نمود و ترس خواهد داشت.

هموطنان گرامی این بود نکات چندی که با شما در میان گذاشتم امید از طریق امکانات خویش در امر خیر و فسخ این حکم غیر عادلانه اقدام نمایید.

و ما علینا الی البلاغ المبین